

تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی نسبت به مداخله نظامیان در رقابت‌های سیاسی

مسعود اخوان کاظمی^{۱*}
سمیرا اکبری^۲
علیرضا تارا^۳

چکیده

هدف: سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود، این است که چرا با آنکه امام خمینی(ره) بر لزوم دخالت همه شهروندان در سیاست تأکید به عمل می‌آورد، با مداخلات نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی مخالف بود؟ به عبارت دیگر، دلیل اصلی و اساسی مخالفت امام با دخالت نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی، چه عاملی بوده است؟
روش‌شناسی پژوهش: مقاله حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری حرفه‌ای شدن نظامیان هانتینگتون، این فرضیه را به محک آزمون می‌گذارد.

یافته‌ها: امام خمینی(ره) دخالت نظامیان در بازی‌های سیاسی را باعث کاهش کارایی حرفه‌ای نظامیان و عامل خروج سازمان نظامی از وظایف حرفه‌ای آن می‌دانست و به همین لحاظ شدیداً با آن مخالفت می‌کرد.
نتیجه‌گیری: بدین ترتیب، مخالفت امام خمینی(ره) با مداخله نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی، به‌صورتی دقیق در چارچوب نظریه حرفه‌ای شدن نظامیان قابل تطبیق می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مداخله، نظامیان، سازمان نظامی، حرفه‌ای شدن، جامعه‌شناسی سیاسی، امام خمینی

Email: Mak392@yahoo.com

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی (نویسنده
مسئول)

Email: samiraakbari1394@gmail.com

۲- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی

Email: taraalireza70@gmail.com

۳- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۸

مقدمه

سازمان نظامی، سازمانی سلسله مراتبی^۱ و مرکب از افرادی است که قادر به هدایت جنگ در ورای مرزها و حفظ نظم در درون مرزها، در صورت لزوم، خواهند بود. در فرهنگ لاروس، دو کارکرد^۲ مهم برای سازمان‌های نظامی منظور شده؛ هدایت جنگ و حفظ نظم. اما چنانکه می‌دانیم، کارکرد سازمان‌های نظامی محدود به این مورد نمی‌شود، بلکه جنبه‌های دیگری نیز دارد، مانند کارکرد تمدنی^۳ و سیاسی^۴. برای فهم بهتر این موضوع باید دانست که کارکرد سازمان‌های نظامی در دو سطح آشکار و پنهان قابل تشخیص و بررسی است. در سطح آشکار، همان هدایت جنگ و حفظ نظم مهم‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد یک سیستم نظامی است. ولی، در سطح پنهان کارکردهای بسیار مهم دیگری برای این سازمان‌ها می‌توان در نظر گرفت؛ مانند پیشگامی در تولید و کاربرد دانش، اطلاعات و تجهیزات بسیار پیچیده و پیشرفته و توسعه کاربرد آنها در سایر بخش‌های جامعه؛ پیشبرد فرایندهای جامعه‌پذیری نظامی، هنجارسازی و تسری نظم و دیسپلین و روحیه خودباوری، خوداتکایی، عزت نفس، استقلال خواهی، آزادگی، میل به پیروزی و کسب افتخار در زوایای مختلف جامعه.

با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که نیروهای نظامی اغلب از قدرت خود برای اعمال نفوذ سیاسی، باج‌خواهی و یا جابه‌جایی حکومت‌ها استفاده می‌کنند. نظامیان در طول تاریخ یک نیروی پیشران در تحولات اجتماعی و به‌ویژه ساخت دولت‌های ملی بوده‌اند و در نتیجه نفوذ و جایگاه مهمی را در فرایندها و پویای ساخت قدرت سیاسی به‌دست آورده‌اند و از طرف دیگر، در برخی شرایط از نفوذ و جایگاه خود برای حضور پررنگ در ساختار سیاسی و اقتصادی جوامع بهره برده‌اند و تلاش کرده‌اند به نیروی مسلط در برخی جوامع تبدیل شوند.

دخالت ارتش در سیاست، از نظر تاریخی موضوع جدیدی نیست و بلکه بخش بسیار مهمی از تاریخ، شاهد قرار گرفتن فرماندهان نظامی بر سریر قدرت سیاسی بوده است. دخالت و نفوذ نظامیان در سیاست به تناسب اینکه تا چه اندازه دموکراسی و فرهنگ سیاسی در آن جامعه تثبیت گردیده و یا این که جامعه تا چه اندازه توسعه یافته است، متفاوت است. در برخی کشورها نظامیان به‌صورت مستقیم از طریق کودتا-میلیتاریسم نظامی- در سیاست دخالت می‌کنند و در بعضی دیگر از کشورها تأثیرگذاری آنان به‌صورت نفوذ غیرمستقیم - میلیتاریسم غیر نظامی- یعنی غلبه فرهنگ نظامی بر جامعه از طریق نفوذ بر سیاستمداران و یا حمایت غیرمستقیم از جریان‌های سیاسی صورت می‌گیرد. دخالت نظامیان در سیاست هم می‌تواند به انگیزه کسب منافع اقتصادی و هم به منظور دخالت در تصمیمات سیاسی و در نتیجه حفظ برتری در پشت صحنه قدرت باشد. همچنین انگیزه‌های اعتقادی و مذهبی و دفاع از منافع ملی از جمله مواردی است که

1. Hierarchical
2. Function
3. Civilizational Function
4. Political Function

به دخالت نظامیان در سیاست در کشورهای غیر دموکراتیک منجر می‌شوند (Mousavi, 2004: 197). امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی، بارها بر لزوم مشارکت همه شهروندان در سیاست تأکید نموده است؛ اما همواره نظامیان را از دخالت در احزاب و جناح بندی‌های سیاسی برحذر می‌داشت. لذا در همین راستا سؤال مطرح شده در مقاله حاضر این است که چرا با آنکه امام خمینی (ره) بر لزوم دخالت همه شهروندان در سیاست تأکید به عمل می‌آورد، با مداخلات نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی مخالف بود؟ به عبارت دیگر، این مقاله تلاش می‌کند تا علت اصلی و دلیل مخالفت امام خمینی (ره) با مداخله نظامیان در رقابت‌های سیاسی را، از رهگذر تحلیل بیانات ایشان، مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

به طور کلی کارویژه ارتش و سازمان‌های نظامی دفاع از تمامیت ارضی کشور و حفاظت از ساختار حکومتی و موجودیت حکومتگران است اما بعد از جنگ جهانی دوم ما شاهد گسترش نقش تشکیلات نظامی در امور ملی و بین‌المللی بوده‌ایم. بنابراین اهمیت نقش مداخله نظامیان در سیاست بر کسی پوشیده نیست. همان‌طور که می‌دانیم در زمینه مداخله نظامیان در سیاست پژوهش‌های بسیاری تاکنون انجام شده است. نویسندگانی چون دکتر حسین بشریه (۲۰۱۲)، مسعود اخوان کاظمی (۲۰۰۹)، سعیده لطفیان (۲۰۰۱)، میرطیب موسوی (۲۰۰۴)، حسین هرسیج (۲۰۰۱) و... به بررسی نقش و انگیزه نیروهای اجتماعی از جمله نظامیان در زندگی سیاسی و پیامدهای آن پرداخته‌اند. تقریباً تمام تحقیقات انجام شده با محوریت مداخله نظامیان در سیاست در یک کشور خاص و یا به‌طور کلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری حرفه‌ای شدن نظامیان هانتینگتون، در پی آن است که توضیح دهد چرا با آنکه امام خمینی (ره) بر لزوم دخالت همه شهروندان در سیاست تأکید به عمل می‌آورد، با مداخلات نظامیان در جناح بندی‌های سیاسی مخالف بود؟ به عبارت دیگر، دلیل اصلی مخالفت امام با دخالت نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی، چه عاملی بوده است؟ همین امر نوآوری و اهمیت موضوع پژوهش را نشان می‌دهد و اینکه تاکنون پژوهشی در رابطه با تحلیل دیدگاه‌های امام خمینی (ره) نسبت به مداخله نظامیان در رقابت‌های سیاسی صورت نگرفته است.

اول) چارچوب نظری: حرفه‌ای شدن نظامیان

یکی از رهیافت‌هایی^۱ که برای کنترل نیروهای مسلح پیشنهاد شده است، بر مبنای مدل حرفه‌ای شدن ارتش قرار دارد که توسط ساموئل هانتینگتون مطرح گردیده است. حرفه‌ای‌گرایی^۲، مهمترین مبحث ساموئل هانتینگتون در کتاب «سرباز و دولت»^۳ را تشکیل می‌دهد. به باور هانتینگتون، حرفه‌ای‌گرایی عامل اساسی

1. Approaches
2. Professionalism
3. The Soldier and the State

دور نگه داشتن نظامیان از سیاست است؛ زیرا هر چه ارتش حرفه‌ای تر شود، نظامیان به دلیل مشغله زیاد ناشی از پرداختن به موضوعات تخصصی، از امور سیاسی دور خواهند ماند و نهایتاً امور سیاسی را به سیاستمداران واگذار می‌کنند. به عبارت دیگر، هانتینگتون استدلال می‌کند که مطمئن‌ترین راه برای جلوگیری از دخالت در سیاست، تشویق آنها به حرفه‌ای شدن کامل است. به اعتقاد او، اگر نظامیان صرفاً بر اساس ملاحظات تخصصی نظامی آموزش دیده، سازماندهی و مدیریت شوند، به‌صورتی حرفه‌ای عمل خواهند نمود و خدمتگزاران مطیع حکومت خواهند بود و یقیناً تحت کنترل غیرنظامیان و سیاستمداران کشوری انجام وظیفه خواهند نمود و به خروج از ساختارها و وظایف تخصصی خود و دخالت در سیاست تمایلی نخواهند داشت (Akhavan Kazemi, 2009:302). هانتینگتون اساساً حرفه‌ای شدن نظامیان را مترادف با اطاعت کامل آنان از مقامات غیرنظامی دانسته است؛ بدین معنی که حتی اگر ارتشی از نظر تسلیحات و تجهیزات رزمی و آموزش و سازماندهی و عملکردها در سطوح بالایی از تخصص قرار داشته باشد و در عین حال از مقامات کشوری تبعیت ننماید و به دخالت در سیاست تمایل داشته باشد، از نظر وی یک ارتش حرفه‌ای محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب، حرفه‌ای شدن به معنای ترکیب سه عامل تخصص، احساس مسئولیت اجتماعی و قانونمندی می‌تواند تضمین کننده اطاعت و تبعیت نیروهای مسلح از سیاستمداران غیرنظامی باشد (Ibid, 2009:302).

در مورد نحوه ارتباط سازمان نظامی با نهاد سیاسی، هانتینگتون تقسیم‌بندی خاصی را ارائه کرده است. او بحث نحوه ارتباط را با چهار شاخص که دلالت بر سطح نهادی دارند، معرفی می‌نماید: (۱) انعطاف‌پذیری با محیط، (۲) سادگی - پیچیدگی (تعداد خرده واحدهای سازمانی)، (۳) استقلال - تابعیت (سازمان‌ها بیانگر مصالح گروه‌های اجتماعی خاص نباشند)، (۴) انسجام - گسیختگی (تأکید بر ارتباط آن با سطح نهادمندی) (Nasrollahzadeh and Sarai, 2008:33). از آنجا که تخصصی شدن حرفه سربازی و نظامی‌گری بیش از هر چیز متأثر از تحول تکنولوژی تسلیحاتی است که مراحل مختلف تاریخی را پشت سر گذارده و وارد مرحله جدیدی شده است، وظایف جدید نظامیان اقتضا می‌کند که یک افسر حرفه‌ای مهارت‌ها و تخصص‌های هر چه بیشتری را که میان مدیران و رهبران جامعه متداول است، به‌دست آورد. کاهش شکاف مهارت میان سازمان‌های نظامی و غیرنظامی ناشی از تمرکز متخصصان فنی در بخش نظامی است.

هانتینگتون معتقد است نظامیان یا در ارتباط با طبقه اجتماعی مشخص وارد عمل می‌شوند و یا اینکه با به‌دست گرفتن قدرت برای جلوگیری از رشد بیشتر تنش‌ها، نقش حاکم و داور را به عهده می‌گیرند. به این ترتیب هانتینگتون برای نظامیان کشورهای جهان سوم، نقش مهمی را در فرایند توسعه سیاسی - اجتماعی قائل است و معتقد است هر چه عقب‌ماندگی جامعه بیشتر باشد، نقش نظامیان مترقی‌تر است و هر چه جامعه پیشرفته‌تر گردد، نقش نظامیان محافظه‌کارتر و ارتجاعی‌تر می‌شود (Ryan, 1997:199-200). وی بر عامل سیاسی به‌ویژه بر ساختار سیاسی و نهادی جامعه تأکید می‌کند. به نظر وی عنصر اصلی در تبیین

مداخله نظامیان در سیاست همانا سطح نهادینه‌سازی فرایند سیاسی^۱ است. در صورت ضعیف شدن نهادسازی در یک نظام سیاسی، گروه‌های مختلف اجتماعی مانند کارگران و دانشجویان اقدام به فعالیت‌های مختلف سیاسی نظیر اعتصاب و تظاهرات می‌نمایند. نظامیان نیز به‌عنوان یک گروه اجتماعی برای حفظ و استمرار منافع خود، ممکن است دست به کودتا بزنند (Herceg, 2011:148). امروزه داشتن یک سازمان نظامی حرفه‌ای برای اکثر کشورها، عاملی برای ارتقاء عملکردهای خاص نظامیان و کاهش انگیزه‌های سیاسی در این سازمان تلقی می‌شود. در واقع، مزایای داشتن نیروی نظامی حرفه‌ای عبارتند از:

۱- افزایش کارایی نیروهای مسلح؛ یک گروه کوچک، حرفه‌ای و آموزش‌دیده، از تعداد بی‌شمار سربازان وظیفه کم آموزش دیده کارا تر هستند. به‌خصوص آنکه امروزه شیوه جنگ‌ها تغییر کرده و فزونی نفرت عامل مؤثری در برتری نظامی نیست.

۲- افزایش تخصص‌گرایی نیروهای مسلح؛ مدت زمان اندک خدمت سربازی امکان تخصصی شدن نیروهای نظامی را به حداقل کاهش می‌دهد اما ارتش حرفه‌ای بر تخصصی شدن و حرفه‌ای شدن نیروهای نظامی استوار است.

۳- انگیزه بالا؛ به علت آنکه سربازان در ارتش حرفه‌ای داوطلبانه آمده و حقوق کافی دریافت می‌کنند دارای انگیزه بالایی هستند.

۴- استفاده از فناوری‌های نوین و پیشرفته.

۵- اشتغال نظامیان به مسائل حرفه‌ای و تخصصی خود و تلاش برای پیشتازی در رقابت‌های تکنولوژیک نظامی نسبت به سازمان‌های نظامی در کشورهای رقیب؛ و در نتیجه، پرداختن کمتر به رقابت‌های سیاسی داخلی.

بنابراین از مطالب فوق چنین فهم می‌شود که حرفه‌ای‌گرایی عامل اساسی دور نگه‌داشتن نظامیان از سیاست است. زیرا هر اندازه ارتش حرفه‌ای‌تر شود، نظامیان به دلیل مشغله زیاد ناشی از پرداختن به موضوعات تخصصی، از امور سیاسی دور خواهند ماند و نهایتاً امور سیاسی را به سیاستمداران واگذار می‌کنند. بر اساس آراء هانتینگتون، می‌توان چنین استدلال کرد که دو نوع الزام در تشکیل نهادهای نظامی وجود دارد: نخست ضرورت کاربردی ناشی از تهدیدات امنیتی و دیگری ضرورت اجتماعی حاصل از نیروهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و نهادهای غالب در جامعه. هدف اصلی ارتش‌ها تأمین امنیت است، اما آنها باید به ضرورت‌های اجتماعی توجه داشته باشند؛ بنابراین، ارتش باید امنیت را با کمترین هزینه از ضروریات اجتماعی، به حداکثر برساند. ایجاد چنین تعادلی نیاز به حرفه‌ای‌سازی ارتش دارد که نیازمند تضمین کنترل غیرنظامیان بر ارتش است. سؤال اصلی این است که چگونه باید کنترل غیرنظامی بر ارتش ایجاد شود و پاسخ آن در داشتن یک ارتش حرفه‌ای نهفته است.

1. The Level of Institutionalization of Political Process

دوم) علل تمایل نظامیان به مداخله در سیاست

انگیزه‌های ارتش برای دخالت در حیات سیاسی پیچیده‌تر از انگیزه گروه‌های دیگر، مثلاً اتحادیه‌های کارگری یا کارفرمایی و یا دانشجویان، است. دلیل این پیچیدگی را طبعاً باید در ساخت ارتش جست. ارتش طبعاً طبقه یا قشر یا گروه اجتماعی و یا یک گروه حرفه‌ای داوطلبانه نیست؛ بلکه جزیی از بوروکراسی دولتی به معنای وسیع است و در عین حال در درون خود متأثر از علایق گوناگون اجتماعی است (Bashiriye, 2012: 270). به همین جهت علل تمایل اعضای سازمان نظامی به دخالت در سیاست متعدد و پیچیده هستند.

فرانک و ایمن پژوهشگر برجسته مسائل نظامیان و سیاست، رویکردهای مختلف نظریه‌پردازان به این مسأله را در چهار دسته قرار داده است: گروه اول (مانند استانیسلاو آندرسکی) دخالت نظامیان را ثمره وجود شکاف‌های سیاسی اجتماعی‌ای می‌داند که در پی آن، جامعه قطب‌بندی شده و به سمت منازعه پیش می‌رود. دخالت مستقیم نظامیان، به‌عنوان تنها گروه سازمان‌یافته و توانا جهت برقراری نظم و ثبات، در سیاست در چنین شرایطی گاه امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا از این منظر، عامل شکاف و منازعه در جامعه، تبیین‌کننده مداخله نظامیان در سیاست است. گروه دیگر تئوریسین‌های مکتب نوسازی^۱ (مانند لوسین پای، هالپرین، جانسون، شیلز، نوردلینگر و...) هستند. آنها مداخله نظامیان در سیاست را عاملی جهت مدیریت صلح و ثبات و توسعه در جوامع جهان سوم می‌دانند. این گروه نیز معتقدند که در شرایط فقدان مصالحه گروه‌های مختلف اجتماعی، مداخله نظامیان می‌تواند علاوه بر تضمین نظم، جامعه را در مسیر توسعه به پیش برد. در چارچوب این رویکرد، گروهی از نظریه‌پردازان ارتش را نیرویی نوساز و گروهی دیگر آن را نیرویی محافظه‌کار می‌شمارند. نظریه‌های سرباز نوساز (سرباز مدرنیست)^۲ و سرباز ضد نوسازی^۳ ذیل این رویکرد قرار می‌گیرند.

رویکرد سوم، نظریه‌ی دولت‌پادگانی^۴ هارولد لاسول (۱۹۴۱) است. براساس این رویکرد، مداخله نظامیان با هدف بهره‌برداری از منازعات داخلی و خارجی، جهت افزایش قدرت خود و سیطره بر نظام سیاسی صورت می‌گیرد. نظامیان با تکیه بر تهدید ناشی از منازعات داخلی و خارجی، تلاش می‌کنند خود را نزد افکار عمومی، سمبل دفاع ملی و مقابله با دشمنان ملت در شرایط بحرانی معرفی کنند. اما در حقیقت، دستکاری این تهدیدها به منظور کسب قدرت سیاسی صورت می‌گیرد. رویکرد چهارم از آن نظریه‌پردازانی چون هانتینگتون است. او در سال ۱۹۶۸ در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»^۵، نظریه پراتوریانیسم را ارائه کرد. بر اساس این نظریه، مداخله نظامیان در سیاست ریشه در نابسامانی‌های سیاسی جوامع جهان سوم دارد؛ نابسامانی‌هایی که در پی افزایش تقاضای مشارکت و بسیج سیاسی از سوی

1. Modernism
2. Modernist Soldier
3. Anti-Modernist Soldier
4. Garrison State
5. Political Order in Changing Societies

نیروهای اجتماعی جدید (که ثمره نوسازی اقتصادی، اجتماعی هستند) و درعین حال بخاطر عدم نوسازی سیاسی و فقدان نهادمندی سیاسی، فشارهای اقتصادی و شکاف‌های اجتماعی در چنین جوامعی به وجود آمده‌اند (Dehghani Firouzabadi and Karimi, 2014:90-91).

نظریات دیگری نیز در این زمینه وجود دارند؛ مانند «نظریه نگرهبانی»^۱ که بر مبنای آن، نظامیان نگرهبانان قانون اساسی محسوب می‌شوند؛ لذا در صورت بروز هرگونه تخطی از قانون اساسی، دخالت در سیاست را وظیفه خود می‌دانند. نظریه نگرهبانی با نظریه دیگری به نام «مأموریت تاریخی»^۲ شباهت‌های بسیاری دارد. براساس این نظریه، در جامعه‌ای که نظامیان در آن، خود را قیام و وکیل مردم در امر حفاظت و پشتیبانی از فرایند توسعه می‌دانند و انسجام، یکپارچگی و قدرت سازمانی و توانمندی‌های فیزیکی نیز آنان را در انجام این مأموریت یاری می‌رسانند، در صورت بروز هرگونه بی‌ثباتی و اختلال در فرایند سیاسی، مداخله نظامیان موجه و مورد تأیید خواهد بود. کما اینکه در اغلب موارد، مداخله نظامیان در سیاست، با مسأله ثبات ارتباط چشمگیر و کلیدی داشته است.

«نظریه قالب سازمانی»^۳ نیز، بر اهمیت ساختار سازمانی ارتش و وجه سلسله مراتبی آن، که مبتنی بر اطاعت از مقامات مافوق است، تأکید می‌کند. براساس این نظریه، عواملی چون: زنجیره متمرکز فرماندهی، نظم و انضباط ارتش و ارتباطات سریع و گسترده، نظامیان را به گروهی منسجم و مستعد مداخله در سیاست تبدیل می‌کنند.

«نظریه کورپوراتیستی» نیز نظامیان را همچون یک صنف در نظر می‌گیرد؛ یعنی گروهی از افراد که ویژگی‌ها و گرایش‌های جمعی نزدیک و منافع مشترک دارند. بر اساس این نظریه، نیروهای نظامی خود را پیکره‌ای جدا از سازمان‌ها و نهادهای دولتی و متفاوت از نیروها و اقشار اجتماعی دیگر می‌دانند و چنانچه نهادها و یا جریان‌های سیاسی مسلط سعی کنند منافع نظامیان را محدود یا تهدید کنند، دخالت نظامیان در سیاست به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در نهایت، «مدل تلفیقی» تبیین‌کننده مداخله نظامیان، برخلاف نظریه‌های دیگر، که مداخله نظامیان را به یک فاکتور یا عامل محرکه نسبت می‌دهند، مجموعه عوامل شخصی، صنفی، سیاسی و اجتماعی، مشکلات اقتصادی و فرهنگ سیاسی غیر مشارکتی را در این مسأله تعیین‌کننده می‌داند (Ibid, 2014:92). در این میان، جامعه‌شناسی سیاسی نظامیان در پی یافتن علل و عواملی در داخل خود ساختار سازمان نظامی، جامعه و حکومت است تا بتواند دلایل تمایل نظامیان را به ورود در عرصه‌های سیاسی توضیح و تبیین نماید. از این دیدگاه، به‌طور کلی مهم‌ترین عواملی که بر دخالت نظامیان در سیاست تأثیر می‌گذارد، عبارتند از:

۱) حرفه‌ای شدن نظامیان و در اختیار داشتن انحصاری ابزار اعمال زور.

1. Custodian
2. Historical Mission
3. Organizational Frame

- ۲) ترکیب طبقاتی جامعه و نوع ایدئولوژی‌ای که بر بخش سیاسی حاکم است.
- ۳) برخورداری نظامیان از فرهنگ و تکنولوژی برتر.
- ۴) وجود و یا شکل‌گیری نهادها و نیروهای رقیب نیرومندتر از ارتش.
- ۵) بی‌ثباتی مستمر سیاسی در جامعه و بی‌لیاقتی سیاستمداران در اداره امور مملکت.
- ۶) علاقمندی نظامیان و یا بخشی از نظامیان در شتاب بخشیدن به آهنگ توسعه.
- روی هم رفته عاملی که باعث دخالت نظامیان در سیاست می‌گردد، ترکیب، تنوع و اختلاط شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص جوامع، با مؤلفه‌های ویژه سیاسی است. در هر حال، دخالت نظامیان در سیاست با سطح رشد فرهنگی جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد. حرفه‌گرایی مهم‌ترین مقوله پژوهشی هانتینگتون در کتاب «سرباز و حکومت» را تشکیل می‌دهد. به باور هانتینگتون، حرفه‌گرایی مهم‌ترین عامل دور نگه‌داشتن نظامیان از سیاست است. زیرا هرچه ارتش حرفه‌ای‌تر شود، نظامیان به دلیل مشغله زیاد از امور سیاسی دورتر خواهند ماند و نهایتاً امور سیاسی را به سیاستمداران واگذار می‌کنند. به سخن دیگر، هانتینگتون استدلال می‌کند که مطمئن‌ترین راه برای جلوگیری نظامیان از دخالت در سیاست، تشویق آنها به حرفه‌ای شدن کامل است. اگر نظامیان بر اساس اهداف نظامی سازماندهی شوند، نیروهای مسلح خدمتگزاران مطیع حکومت خواهند بود و به طور یقین تحت کنترل غیر نظامیان یا مقامات کشوری انجام وظیفه خواهند کرد (Azghandi, 1995:70).
- «نظریه حرفه‌ای شدن» بر این مبنا قرار دارد که مداخله نظامیان در سیاست در جوامع پیشرفته به این علت در حال کاهش است که نظام‌های سیاسی آنها، نهادهای لازم (مانند احزاب سیاسی و مجالس قانونگذاری) را برای ارتقاء فرهنگ سیاسی جامعه و مشارکت مستقیم مردمی ایجاد کرده و قدرت قوه مجریه را محدود به مسائل تخصصی اجرایی می‌سازند. سازمان نظامی در این حوزه وظیفه پیدا می‌کند تا صرفاً در چارچوب کارکردهای تخصصی نظامی خود به ایفای نقش بپردازد و اکیداً از ورود به سایر حوزه‌ها و به‌ویژه از مداخله در سیاست بپرهیزد و مطیع صرف سیاستمداران غیر نظامی باشد. پس در سطوح بالای توسعه سیاسی، تخصصی و حرفه‌ای شدن نهادها و ساختار از یکسو و نهادینه شدن حقوق و آزادی‌های عمومی و گسترش جامعه مدنی از سوی دیگر، به کاهش مداخله نظامیان در سیاست منجر می‌شود. اما اگر این کاهش به وقوع نپیوندد و نظامیان با وجود گسترش احزاب سیاسی و سایر نهادهای جامعه مدنی در سیاست مداخله کنند، بی‌ثباتی سیاسی بیشتر خواهد شد. هانتینگتون معتقد است که اگر حرفه‌ای شدن ارتش‌ها تکامل یابد و افسران به‌عنوان افراد حرفه‌ای واقعی به مأموریت‌های خود وفادار باشند، نباید نگران مداخله نظامیان در سیاست بود (Huntington, 1957).

جدول ۱: سطوح، اهداف و روش‌های دخالت نظامیان در سیاست

روش‌ها	اهداف	سطوح دخالت
<ul style="list-style-type: none"> - بکارگیری روش‌های قانونی اعمال نفوذ و استفاده از مجاری معمول و قانونی (نگارش مقاله، سخنرانی، استفاده از رسانه‌های جمعی و ...) - لابی‌گری در محافل تصمیم‌گیری (مجلس، هیئت دولت، ...) - تیبانی با مقامات رسمی حکومتی 	اعمال نفوذ بر سیاست‌ها	نظارت
<ul style="list-style-type: none"> - نمایش قدرت - تهدید به خودداری از انجام عملکردها و وظایف - تهدید به اتخاذ موضع بیطرفی - تهدید به عدم دفاع از حکومت در برابر دشمنان - تهدید به انتقام شخصی و مجازات حکومتگران - تهدید به انتقام علیه حکومت (کودتا) 	ارعاب سیاستمداران	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- تغییر بیعت نظامیان از طریق: - اعلام قطع وفاداری ارتش به حکومت موجود و عدم اطاعت از آن - اعلام حمایت از گروه دیگری از سیاستمداران رقیب یا دشمنان - اجتناب از دفاع و حمایت از حکومت در برابر دشمنان داخلی و خارجی آن - اعلام بی‌طرفی در منازعات داخلی و خارجی علیه حکومت ۲- اقدام عملی نظامیان علیه حکومت، به شکل: - بازداشت یا ترور سیاستمداران - انجام شورش‌ها و خشونت‌های نظامی 	جایجایی حکومتگران غیر نظامی	هدایت
انجام کودتا و به دست گرفتن مستقیم قدرت سیاسی	جایگزینی حکومت غیر نظامی	مدیریت

منبع: (Akhavan Kazemi, 2009:162)

سوم) قانون، مانع دخالت نظامیان

اندیشمندان سیاسی در گذر زمان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که نیروهای نظامی باید صرفاً برای تأمین امنیت ملی و حفاظت از مرزها در برابر تهاجمات خارجی، به کار گرفته شوند؛ چرا که در غیر این صورت این نیروها خود به عاملی در جهت ناامنی و کاهش قدرت و انسجام ملی تبدیل خواهند شد. به همین لحاظ، در قوانین اساسی اکثر کشورها بر لزوم اشتغال صرف نظامیان به وظایف اصلی محوله به آنها و عدم مداخله آنها در امور سیاسی تأکید به عمل آمده است. در فصل نهم قانون اساسی ج.ا. ایران نیز، ۹ اصل (از اصل ۱۴۳ تا اصل ۱۵۱) مشخصاً به جایگاه و اهمیت و وظایف نیروهای مسلح پرداخته شده است. هفت اصل از این اصول ۹ گانه، مربوط به ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک اصل مربوط به سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی و اصل دیگر هم به ضرورت آمادگی نظامی نیروهای مردمی مربوط می‌شود. براساس اصول ۱۴۳ و ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور، نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن، تنها وظایفی است که بر عهده نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه گذاشته شده و براساس اصل ۱۴۸، هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات نیروهای مسلح ممنوع اعلام شده است. از این رو هیچ جریان سیاسی و... حق ندارد از امکانات و توانایی‌های نیروهای مسلح در راستای اهداف سیاسی و... خود استفاده کند.

بر اساس ماده ۴۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حق هیچ‌گونه فعالیتی در برنامه‌ها و تبلیغات انتخاباتی ندارند و متخلفان برابر قانون به حبس محکوم می‌شوند. قانون همچنین صراحتاً ورود و دخالت نظامیان به کارزار انتخابات را ممنوع کرده است. برابر ماده ۴۹ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از عضویت یا وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی ممنوع بوده و حق فعالیت در جهت برنامه‌ها و تبلیغات آنها را ندارند. در ماده ۲۹ قانون ارتش و ماده ۱۶ قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ماده ۱۶ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح شده است که «اعضا و کارکنان ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی، حق عضویت یا وابستگی به گروه‌های سیاسی را ندارند». ماده ۴۷ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اشاره دارد بر اینکه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نظر سیاسی و عقیدتی تابع ولایت فقیه بوده و از تمامی احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل است و خود نیز هرگز نباید در جامعه شخصیت حزبی پیدا کرده و به صورت یک حزب یا سازمان سیاسی عمل کند». ماده ۲۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران به صراحت اعلام کرده که «نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت در امور اجرایی و نظارت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را ندارند» و برابر قانون، وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی صرفاً ایجاد نظم و حفاظت از صندوق‌ها در جریان انتخابات است. همچنین ماده ۱۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی آمده است که «نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت در امور انتخابات اعم از امور اجرایی و نظارت را ندارند». بر اساس ماده واحده قانون «حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی»، پرسنل نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نمی‌توانند از طرف هیچ نامزدی، نمایندگی یا نظارت داشته باشند. همچنین در ماده ۶۱ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح آمده است: «فرماندهان، رؤسا و مدیران موظفند در کشف و شناسایی فعالیت‌های سیاسی ممنوعه پرسنل و نفوذ جریانات و تشکلهای سیاسی در یگان، سازمان و قسمت خود با حفاظت اطلاعات مربوط همکاری‌های لازم را داشته باشند».

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در سال ۱۳۹۵ که در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، «سیاست‌های کلی انتخابات» را ابلاغ کردند، در بند ۱۶ این ابلاغ‌نامه بر «ممنوعیت ورود نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های تابعه آنها، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانبداری از داوطلبان» تأکید به عمل آورده‌اند.

چهارم) عامل اساسی مخالفت امام خمینی با مداخله نظامیان در سیاست

امام خمینی(ره) در موارد متعددی بر اهمیت نقش و جایگاه حساس نظامیان در یک نظام سیاسی تأکید به عمل آورده و حساسیت وظایف و عملکردهای آنها را خاطر نشان نموده است. به باور امام:

«قوای مسلح، از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر ویژگی خاصی دارند. اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و نگهبان سرحدات و راهپا و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره‌برداری برای قدرت‌های بزرگ و سیاست‌های مخرب، بیشتر از هر چیز و هرگروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازی‌های سیاسی، کودتاها و تغییر حکومت‌ها و رژیم‌ها به دست آنان واقع می‌شود؛ و سودجویان دغل بعض سران آنان را می‌خرند و با دست آنان و توطئه‌های فرماندهان بازی خورده کشورها را به دست می‌گیرند و ملت‌های مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب می‌کنند و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند، هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی‌آید و یا اگر احیاناً پیش آید، به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند و در ایران نیز که این معجزه عصر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهن دوست سهم بسزایی داشتند» (Divine political will of Imam Khomeini).

در واقع، بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شاهد پاکسازی و تصفیه در نیروی‌های مسلح هستیم، بسیاری از فرماندهان نظامی شاهنشاهی به حبس، اعدام و بازنشستگی اجباری، محکوم شدند و بسیاری دیگر از کشور فرار کردند. یکی از مسائلی که در بازسازی ارتش بعد از انقلاب مورد توجه بود، این بود که ارتش باید ایدئولوژی اسلامی را در رأس برنامه‌هایش قرار دهد. بر خلاف انتظار، امام خمینی(ره) بعد از انقلاب در صدد انحلال نیروهای مسلح بر نیامد و در عوض مایل بود که ارتش شاهنشاهی را به یک ارتش ملی و اسلامی وفادار تبدیل کند. چنانچه امام خمینی(ره) در یکی از سخنانی‌های خود، «خدمت در ارتش را به‌عنوان یک وظیفه مقدس و شایسته پادشاه‌های بزرگ در برابر خداوند» معرفی نمود. از جمله مهم‌ترین ویژگی نیروهای نظامی (ارتش) بعد از انقلاب، طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، این است که ارتش می‌باید اسلامی باشد و چنین ارتش مکتبی و مردمی مؤلف است افراد شایسته‌ای را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی ایران مؤمن، و در راه تحقق آن اهداف فداکار باشند و عضویت افراد خارجی در ارتش و نیروهای انتظامی ممنوع است (Lotfian, 2001:372-436).

با بررسی بیانات مختلف امام خمینی(ره) در خصوص دلایل اساسی مخالفت ایشان با ورود نظامیان در سیاست، درمی‌یابیم که در یک کلمه، امام مداخله نظامیان در رقابت‌های سیاسی را عامل تباهی ارتش و سازمان نظامی و از بین رفتن کارایی آن می‌داند؛ که البته این عامل را با تعابیر مختلف و متنوعی بیان نموده است. بدین ترتیب، تحلیل این مخالفت از سوی امام با تعابیری مانند «فساد ارتش» یا «تباهی نظامیان» یا «کاهش کارایی حرفه‌ای آنان»، همگی مؤید این نکته هستند که مخالفت امام خمینی(ره) با مداخله نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی، به‌صورتی دقیق در چارچوب نظریه حرفه‌ای شدن نظامیان قابل تطبیق می‌باشد.

در زیر به مصادیقی از تعلیل‌های امام خمینی(ره) در مخالفت با دخالت نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی، بر مبنای سخنان ایشان، اشاره می‌شود:

۱- فساد و تباهی پرسنل نظامی و از بین رفتن انسجام ارتش

امام خمینی(ره) در موارد متعددی دلیل مخالفت خود با مداخله نظامیان در رقابت‌های سیاسی را به گسترش فساد و تباهی در سازمان نظامی و از بین رفتن وحدت و انسجام در بین پرسنل ارتش و نیروهای نظامی ربط داده و در وصیت‌نامه خویش هشدار داده است که ورود نظامیان به این امور باعث «تباهی» است و از مسئولان می‌خواهد که جلوی این کار را از همان قدم اول بگیرند.

«اصل وارد شدن در حزب برای ارتش، برای سپاه پاسداران، برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدنش جایز نیست، به فساد می‌کشد اینها را ...» (sahifeh imam, v16: 110-111).

۲- ضرورت کارکرد هر سازمان در حوزه تخصصی خود

امام خمینی(ره) مکرراً در توصیه‌های خویش بر اهمیت تخصص و قرار گرفتن افراد در حوزه‌های تخصصی خود و انجام امور حرفه‌ای توسط کارشناسان مرتبط تأکید به عمل آورده است. امام داشتن صلاحیت و تخصص را برای دخالت در کارها لازم دانسته و به مسئولان توصیه می‌کردند که در کار هم دخالت نکنند.

«هر مسئولی و هر متعهد به نظامی، باید سعی کند برای پیشبرد نظام در چهارچوب محدوده وظایفش عمل کند که در غیر این صورت، احتمال پاشیدگی نظام جمهوری اسلامی است. لذا اگر وزیری در کار وزیر دیگر دخالت نماید که حتی باعث رشد کار گردد، مورد قبول نیست؛ چرا که خروج از چهارچوب اختیارات، ضررش بسیار بیشتر از رشد کار در نقطه‌ای دیگر است» (sahifeh noor, v2: 220).

امام در ارتباط با نظامیان و عملکردهای حرفه‌ای آنان نیز همواره بر ضرورت کارکرد پرسنل نظامی در حوزه‌های تخصصی مرتبط با نظامی‌گری تأکید می‌کرد و خروج آنها از عرصه‌های حرفه‌ای نظامی را موجب ناکارآمدی و تباهی سازمان نظامی می‌دانست.

«ارتش هم باید در آن انقلاب بشود و امید است که بسیار وقتش شده باشد، لکن ارتش نباید کار داشته باشد که در دانشگاه چه می‌گذرد، به او چه ربطی دارد. در عین حالی که همه با هم در پیوند هستند، لکن هر کدام کار خودشان را باید انجام بدهند» (sahifeh imam, v12:333).

در واقع، یکی از دلایل اصولی که در زمینه ممنوعیت دخالت نظامیان در سیاست وجود دارد، تفاوت دو حوزه‌ی سیاسی و نظامی و لزوم تجربه و تخصص برای به عهده گرفتن مسئولیت در این دو حوزه است. این دو عرصه هرکدام ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و تداخل این دو حوزه منطقی به نظر نمی‌رسد. همچنان که نظامیان هیچگاه قبول نخواهند کرد که یک سیاستمدار بدون تجربه‌ی نظامی را به فرماندهی خود انتخاب کنند، سیاستمداران نیز نمی‌پذیرند نظامیان بی‌محابا و صرفاً با اتکا به ابزارهای خاص خود پا به عرصه سیاست بگذارند. به‌طور کلی، روش و نوع نگاه یک نظامی نمی‌تواند در عرصه‌ی سیاسی

کارگشا باشد. نگاه نظامیان مبتنی بر رابطه فرمانده و فرمانبردار و یک نظام سلسله مراتبی دستوری است. این در حالی است که سیاست فضایی متکثر دارد و سیاستمدار برای پیشبرد امور باید ده‌ها فاکتور و مسأله را در نظر بگیرد و صرفاً نمی‌تواند با دستور کارها را به پیش ببرد. در همین ارتباط، و با استناد به لزوم عدم ورود هر گروهی به حوزه‌های غیر تخصصی خود، امام عدم دخالت نظامیان در گروه‌بندی‌های سیاسی را شدیداً مورد تأکید قرار می‌داد.

«وظیفه هر نظامی و هر پادگان آن است که در امور سیاسی حکومت [دخالت] نکند؛ برای اینکه سرباز اگر در امور سیاسی وارد شد، سربازیش را از دست می‌دهد. از این جهت، می‌خواهند ارتش را از باطن یک اشکالاتی در آن ایجاد کنند. یکی از اشکالات بزرگ همین است که امور سیاسی را وارد کنند در ارتش و بیایند صحبت‌های سیاسی بکنند و بیایند حرف‌های سیاسی بزنند. من به سران ارتش امر می‌کنم به اینکه باید در ارتش مسائل سیاسی طرح نشود. اشخاص اگر بخواهند بیایند آنجا صحبت بکنند، اگر از سیاسیون هستند، این‌ها را نگذارند بیایند در ارتش صحبت بکنند. این‌ها توجه هم اگر خودشان نداشته باشند، لکن متحرک به حرکت دیگران و به تحریک دیگران هستند. این اموری است که باید حتماً در ارتش با کمال قدرت اجرا بشود» (Speech of Imam Khomeini on 24 June 1360- Sahifeh Imam, v 14).

امام معتقد است که ورود نظامیان به مدیریت سیاسی جامعه، علاوه بر ایجاد چند دستگی و تفرقه در میان آنها، ناقض مسئولیت اصلی شان که حفظ امنیت داخلی و مرزهاست بوده، موجبات تهدید امنیتی و چندپارگی نظام سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

۳- تهدید امنیت ملی

پس از پایان جنگ سرد تحولی در بازتعریف مفهوم امنیت روی داد که به فراخور آن مطالعات امنیتی را در دوران گذار خود قرار داد. در همین راستا رویکردهای جدیدی، از جمله رویکرد امنیتی‌سازی، وارد مطالعات امنیتی شد (Dehghani Firouzabadi and Alavi, 2016:41). امنیتی‌سازی کنشی گفتاری است که در نتیجه‌ی آن، هر موضوعی را می‌توان در عرصه‌ی سیاست در نزد افکار عمومی تهدیدی برای موجودیت یک کشور یا امنیت بین‌المللی نمایاند. یک موضوع به علت اینکه تهدیدی وجودی علیه آن وجود دارد، امنیتی نمی‌شود؛ بلکه به این علت امنیتی می‌شود که قابلیت تبدیل به یک تهدید وجودی را دارد که البته این امر باید از سوی نظام سیاسی مورد پذیرش قرار گیرد. بر این اساس، ورود نظامیان مسلح به عرصه رقابت‌های سیاسی فضا را امنیتی خواهد ساخت و می‌تواند تهدیداتی وجودی را علیه موجودیت یک نظام سیاسی مطرح سازد. در واقع، با توجه به برخورداری نظامیان از قوه قهریه و سلاح، حمایت آنها از یک جناح خاص یا تشکیل یک جناح جدید موجبات تضعیف انسجام اجتماعی و تقلیل امنیت ملی را فراهم می‌آورد. لذا حضرت امام خمینی (ره) با انبوهی از تجربیات سال‌ها مبارزه و مشاهده و تحلیل رفتار نظامیان در دیگر کشورها، این خطر را چنین گوشزد نموده‌اند:

«قوای مسلح است که با بازی‌های سیاسی، کودتاها و تغییر حکومت‌ها و رژیم‌ها به دست آنان واقع می‌شود؛ و سودجویان دغل بعضی سران آنان را می‌خرند و با دست آنان و توطئه‌های فرماندهان بازی خورده، کشورها را به دست می‌گیرند» (sahifeh imam, v21:431).

بدین ترتیب، یکی از پیامدهای مهم دخالت نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی، تضعیف توان نیروهای نظامی و در نتیجه، افزایش تهدیدات امنیتی ملی خواهد بود. در جوامعی که گروه‌های سیاسی و احزاب در صحنه سیاسی به طور مستمر حضور داشته باشند و دائماً با یکدیگر در حال مبارزه سیاسی باشند، چنانچه در یک طرف مناقشات و مبارزات سیاسی، به جای احزاب و گروه‌های سیاسی، نیروهای نظامی کشوری قرار گرفته باشند و یا حامی یکی از طرفین باشند، این امر منجر به بروز تنش و در برخی مواقع به یک نزاع داخلی تبدیل می‌شود و صحنه سیاسی کشور را به آشوب می‌کشاند. به عبارتی اگر نیروهای نظامی خود را درگیر بازی‌های سیاسی کنند، از یک طرف انرژی و وقت آنها عمدتاً مصروف جبهه‌بندی‌های سیاسی و جناحی می‌شود و باعث می‌گردد تا نتوانند وظایف خود را به خوبی ایفا کنند و از طرف دیگر، عاملی می‌شود تا توان نظامی آنها کاهش یابد که به نوبه خود بر امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور تأثیر منفی بر جای می‌گذارد (sahifehnoor, v16:11).

۴- از بین رفتن وحدت و انسجام جامعه

امام همواره نسبت به دخالت نیروهای نظامی و انتظامی در رقابت‌های سیاسی هشدار داده‌اند که منحصر به دوره خاصی نبوده بلکه به‌عنوان یک اصل تخطی‌ناپذیر و دستورالعمل و توصیه همیشگی وی مطرح بوده است. ایشان بر این عقیده بودند که با ورود نیروهای مسلح به احزاب، منافع ملی تحت‌الشعاع منافع گروهی و جناحی دست‌جات و احزاب قرار می‌گیرد و وحدت و انسجام ملی مخدوش می‌گردد.

انحصار قدرت در دست نظامیان به قیمت محدود شدن آزادی و حقوق سیاسی مردم و گروه‌های سیاسی و ضعف حیات سیاسی جامعه تمام خواهد شد و در شرایط وجود عوامل فشار از قبیل ظلم، فساد و فقر و انحطاط فرهنگی، نظامیان به دلیل تخصص نظامی‌گری خود، با شدت و قدرت دست به سرکوب نیروهای اجتماعی و محدود نمودن آزادی‌های عمومی می‌زنند. بنابراین نظامیان برای تداوم بخشیدن به قدرت خود در صحنه سیاسی و کسب مشروعیت فعالیت‌های خود، گروه‌ها و احزاب و نهادهای مدنی جامعه را تحت فشار قرار می‌دهند و حتی فعالیت آنها را ممنوع می‌کنند و در مواردی نیز آنها را سرکوب می‌نمایند و بدین ترتیب، تشتت و اختلاف در مقیاس ملی و کشوری گسترش می‌یابد. همچنین در دوره حکومت نظامیان، غالباً حق مشارکت مردم در امور سیاسی نادیده انگاشته می‌شود و نظامیان با اینکه معمولاً در ابتدا، ارتقای سطح رفاه و پیشرفت و برطرف کردن مشکلات مردم را مطرح می‌کنند و قول برگزاری انتخابات به شکل آزاد را به مردم می‌دهند، اما بعد از مدتی وعده‌های خود را فراموش کرده و نه تنها گامی برای بهبود شرایط جامعه بر نمی‌دارند، بلکه در اغلب موارد، شرایط را از قبل هم بدتر می‌کنند و به محدود نمودن مشارکت‌های سیاسی و متوقف ساختن فرایند توسعه سیاسی مبادرت می‌ورزند. بدین ترتیب، سازمانی که کارکرد اصلی

آن می‌بایست حفظ امنیت و آرامش جامعه و حراست و حفاظت از حقوق و آزادی‌های مردم باشد، خود به عاملی در جهت ناامنی و سرکوب آزادی‌های عمومی و از بین رفتن وحدت ملی تبدیل می‌گردد. در هنگام از بین رفتن مشروعیت نظامیان، آنها تلاش می‌کنند با استفاده از توان نظامی خود، به سرکوب مردم بپردازند تا مشروعیت از دست رفته خود را دوباره به‌دست آورند (Khajh, Najatpour and Zarghami, 2011). در این میان، وحدت ملی و انسجام اجتماعی به‌شدت در معرض تهدید واقع خواهد گردید. این موضوع نیز در تذکرات امام، چنین آمده است:

«سپاه پاسداران و همین‌طور سایر قوای مسلح باید وارد در جهات سیاسی نشوند تا انسجام پیدا بشود. اگر وارد بشوید، بالاخره به هم خواهید زد خودتان را و بالاخره در مقابل هم خواهید ایستاد و نظام را به هم خواهید زد و اسلام را تضعیف خواهید کرد» (sahifeh imam, v21:432).

بدین ترتیب می‌توان گفت که منع دخالت افراد نظامی در دسته‌بندی‌های سیاسی، یک امر عقلی و منطقی است. دخالت نظامیان در رقابت‌های سیاسی، از یک سو یکپارچگی و همدلی آنها در انجام وظایف ذاتی خود را از بین برده و از سوی دیگر سبب حاکم شدن فضای پادگانی بر دنیای سیاست می‌گردد. نتیجه آنکه، به جای استفاده از توان نیروهای مسلح برای انجام کارویژه‌های این نیروها، این توان صرف رقابت‌های سیاسی می‌گردد. در مواردی نیز، هر چند ممکن است که بازیگران عرصه سیاست نظامی نباشند، اما این نیروهای نظامی هستند که بازیگران مزبور را تعیین و به قدرت می‌رسانند. در چنین وضعیتی، دیگر نیروهای نظامی تابع نیروهای غیرنظامی برگزیده مردم نیستند، بلکه این نیروهای نظامی هستند که سیاست را در اختیار می‌گیرند. از موارد فوق همچنین استنباط می‌شود که امام خمینی (ره) نیز، مطابق نظریه حرفه‌ای شدن نظامیان هانتینگتون، معتقد بود که دخالت نظامیان در بازی‌های سیاسی باعث کاهش کارایی حرفه‌ای نظامیان خواهد شد. نکته‌ای که باید بر آن تأکید شود، این است که مخالفت امام با دخالت نظامیان در رقابت‌های سیاسی به معنای فقدان بینش سیاسی در آنها نیست؛ بلکه تأکید امام همواره بر این امر بوده است که نظامیان ضمن بهره‌مندی از بینش و قدرت تحلیل سیاسی، باید از ورود در احزاب و گروه‌های سیاسی اجتناب کنند و در واقع، دارا بودن قدرت تحلیل و درک سیاسی، غیر از ورود به منازعات سیاسی و عضویت در جناح‌های سیاسی و احزاب است.

نتیجه‌گیری

دخالت ارتش در سیاست، از نظر تاریخی موضوع جدیدی نیست. سؤالی که مقاله حاضر به‌دنبال پاسخگویی به آن بود، اینست که چرا با آنکه امام خمینی (ره) بر لزوم دخالت همه شهروندان در سیاست تأکید به‌عمل می‌آورد، با مداخلات نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی مخالف بود؟ به عبارت دیگر، علت اصلی و اساسی مخالفت امام با دخالت نظامیان در رقابت‌های سیاسی، چه چیزی بوده است؟ فرضیه مقاله بر آن است که امام خمینی (ره) بر مبنای نظریه حرفه‌ای شدن نظامیان، معتقد بود که دخالت نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی، باعث کاهش کارایی حرفه‌ای نظامیان می‌شود که البته امام دلایل مخالفت خود با مداخله نظامیان

در بازی‌های سیاسی را با تعبیری مانند «فساد ارتش» یا «تباهی نظامیان» یا «کاهش کارایی حرفه‌ای آنان»، و یا «از بین رفتن وحدت ملی و انسجام اجتماعی» بیان نموده که همگی مؤید این نکته هستند که مخالفت امام خمینی(ره) با مداخله نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی، به‌صورتی دقیق در چارچوب نظریه حرفه‌ای شدن نظامیان قابل تطبیق می‌باشد.

امام خمینی(ره) نیز مطابق نظریه حرفه‌ای شدن، بر این اعتقاد است که وظیفه اصلی ارتش در وهله اول حفظ و حراست از تمامیت ارضی و موجودیت نظام است و اگر ارتش در مسائل غیر مرتبط با خود و به‌ویژه در رقابت‌های سیاسی دخالت کند، این امر سبب کاهش کارایی نظامیان خواهد شد. در واقع ایشان معتقدند که نظامیان باید بر اساس تخصص‌گرایی و حرفه‌ای شدن، صرفاً در حیطه حرفه‌ای و تخصصی خود عمل نمایند تا به فساد کشیده نشوند. اگر نظامیان صرفاً بر اساس ملاحظات تخصصی نظامی آموزش دیده، سازماندهی و مدیریت شوند، به‌صورتی حرفه‌ای عمل خواهند نمود و خدمتگزاران کارآمدی برای کشور و حکومت خواهند بود. امام داشتن صلاحیت و تخصص را برای دخالت در کارها لازم دانسته و همواره به مسئولان توصیه می‌کردند که در امور تخصصی یکدیگر دخالت نکنند و بر اساس اخلاق حرفه‌ای عمل نمایند. در واقع، نظریه حرفه‌ای شدن بر پایه‌ای بنا نهاده شده است که نتیجه منطقی آن، کاهش مداخله نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی خواهد بود؛ زیرا نظام‌های سیاسی، نهادهای لازم (مانند احزاب سیاسی و مجالس قانونگذاری) را برای مشارکت مستقیم مردمی در سیاست را ایجاد می‌کنند و ضمن به رسمیت شناختن تفوق مدنی و نیروهای سیاسی غیر نظامی بر عرصه سیاست، خودمختاری سازمان نظامی را محدود می‌سازند. پس در سطوح بالای توسعه سیاسی، نهادینه شدن و گسترش جامعه مدنی به کاهش مداخله نظامیان در حوزه سیاست منجر می‌شود.

در تأیید فرضیه مطرح شده در این پژوهش، به ذکر مؤیداتی از دیدگاه‌های امام خمینی(ره) و اصول قانون اساسی پرداخته شد. در واقع عمده‌ترین منبعی که در جمهوری اسلامی ایران درباره ارتباط سازمان نظامی با نهادهای سیاسی وجود دارد، سخنرانی‌ها و وصیت‌نامه سیاسی و الهی امام خمینی(ره) و تأکید ایشان بر خطر ورود نظامیان به عرصه رقابت‌های سیاسی است که در اصول قانون اساسی نیز انعکاس پیدا کرده و مضمون اصلی آنها تأکید بر لزوم تفکیک ساختارها و تخصص‌گرایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی می‌باشد. بدین ترتیب، مطابقت این دیدگاه‌ها با نظریه حرفه‌ای شدن نظامیان هانتینگتون مورد تأیید قرار گرفت که دخالت نظامیان در جناح‌بندی‌های سیاسی را عامل کاهش کارایی حرفه‌ای نظامیان می‌داند.

Reference

- Akhavan Kazemi, Masoud. (2009). *Military and politics from the perspective of political sociology*. Kermanshah, Razi Publications. (in Persian)
- Azghandi, Alireza. (1995). *Army and Politics*. Tehran: Qomes Publishing. (in Persian)
- Bashiriyeh, Hussein. (2012). *Political Sociology: The Role of Social Forces in Political Life*. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jaleleddin and Alavi, Seyed Mohammad Ali. (2016). "The Process of Securing the Nuclear Activity of the Islamic Republic of Iran by the Israeli Lobby in America from the Copenhagen School Perspective". *Strategic Policy Research Quarterly*, Fifth Year, No. 17, Summer. (in Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jaleleddin and Karimi, Parisa. (2014). "The Military and the Transition to Democracy in Arab Countries: A Case Study of the Role of the Military in Egyptian Political and Social Change (2015-2011)." *Journal of International Relations Research*. Volume One, Issue 14, Winter. (in Persian)
- Harcige, Hussein. (2011). "Military Intervention in Politics". *Journal of Isfahan University (Humanities)*. Volume 12, Issues 1 and 2. (in Persian)
- Huntington, Samuel. (1996). *The Political Order in Changing Societies*. Translated by Mohsen Salasi, Tehran: Science (elm) Publishing. (in Persian)
- Huntington, Samuel. P. (1957). *The Soldier and The State*, New York, Harward College Press.
- Khajeh, Ali, Najatpour Majid, and Zarghami Nabiyaleh. (2011). The Motivation of the Military to Enter Politics and its Consequences. December 21, Available at: <http://www.aftabir.com/articles/view/politics/political-science/c11323672419p1.php/> (in Persian)
- Lotfian, Saeed (2001). *Army and Islamic Revolution*. Tehran: Revolution Documentation Center Publications. (in Persian)
- Mousavi, Mir Tabib. (2004). *Army and Politics in Perspective*, Tehran: Democratic (Mardom Salar) Publications. (in Persian)
- Nasrollahzadeh, Mohammad Javad and Sarai, Hassan. (2008). "Structural and Functional Distinctiveness of Military Organizations from Political Entity". *Iranian Journal of Sociology*, Volume 9, Issues 3 and 4, Fall and Winter.
- Roxhoff, Ryan (1997). *Underdeveloped Theories*. Translated by Ali Hashemi Gilani, Tehran: Safir Publications. (in Persian)
- *Sahifeh Imam/Noor*. Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works (in Persian).
- Shahrvand Newspaper. The Constitution Prohibits Military Intervention in Elections. Fifth Year, No. 1113. Available at: <http://www.shahrvand-newspaper.ir/1396/02/11/Main/PDF/13960211-1113> (in Persian)
- The base for disseminating Imam Khomeini's ideas. Speech at Military Commanders (Military Avoiding Political Interference). available in: <https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/14/title/125>. (in Persian)
- The full text of the Divine Political Testament of Imam Khomeini. Available in: www.farsi.khamenei.ir/ndata/news/9447/680315.pdf. (in Persian)

- Voice of Iran. "Why Shouldn't the Military Enter Politics?" 27 February 2014.
<http://Sedayiran.com/fa/news/46146/> (in Persian)